

نشریه علمی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۴۰۲
Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی
کد مقاله: ۱۳۶۷
صفحات: ۶۰-۳۹

Doi: 10.48308/jipt.2023.103849

فرایند صدور فعل از دیدگاه غزالی*

زینب برخوردار^{**}
سیده مهدیه پورصالح امیری^{***}

چکیده

جستار حاضر به مسئله فرایند صدور فعل از دیدگاه غزالی با روش توصیفی - تحلیلی می‌پردازد. پژوهش در حوزه غزالی‌شناسی بر حسب تفاوت رویکردهای او از ویژگی‌های انسجام و باز شدن دریچه‌های دیگر بینش او در مراحل فرایند صدور فعل برخوردار است؛ مانند قول به خواطر غیراختیاری و عدم تعارض مباحث غزالی با فیلسوفان در نفس‌شناسی و فرایند صدور فعل. غزالی زیرساخت‌های ارکان فکری نفس‌شناسی و شاکله فعلی را در آثار نخستین حیات علمی خویش پایه‌گذاری کرده است. او تعارض ظاهری نظریه خویش در باب عدم وصول به حقیقت امور و تعریف فلسفی از انسان را در معارج القدس تبیین کرده است. مبحث صدور فعل به رغم تفاوت رویکردها دارای هماهنگی است. ساختمان فعلی انسان به ترتیب از زیرساخت تا روساخت، مقام علمی‌گزینش غایت، ایجاد شوق به واسطه قوای شهوانی و غضبانی (فعل ارادی)، یا به واسطه قوه علم (فعل اختیاری) است. شوق

* مقاله مستخرج از رساله دکتری سیده مهدیه پورصالح امیری با عنوان تحلیل مقایسه‌ای آرای فارابی و مولوی در نقش خیال بر شناخت و رفتار است.

** دانشجوی گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران

barkhordariz@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری رشته فلسفه و کلام اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
poorsaleh.m@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۸



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

ارادی، شوق مرتبه حیوانی و شوق اختیاری، شوق مرتبه انسانی است. روستاخت آن، عضلات حرکتی است. شرط فعلیت گزینش غایت و خواطر غیراختیاری در هر دو رویکرد عرفانی و فلسفی، وصول به مقام جزمیت با توجه به مرتبه هر انسان است که مبین تخالف ظاهری مقام نظر و فعل انسان می‌باشد. اطلاق اراده بر شاکله فعلی نشان‌دهنده نقش اراده در انجام افعال اختیاری و اجباری است.

کلیدواژه‌ها: غزالی، غایت، خواطر، شوق، اراده، اختیار.

مقدمه

مسئله اصلی این پژوهش، فرایند صدور فعل از دیدگاه غزالی است. که از جمله مسائلی به‌شمار می‌رود. که در علوم میان رشته‌ای، فلسفی، اخلاقی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مطرح می‌شود. از جمله مسائل اساسی این حوزه، توصیف و تبیین هر یک از مراحل صدور فعل از دیدگاه غزالی به‌عنوان فقیه، متکلم اشعری، منطق‌دان و اندیشمند متأثر از دیدگاه فیلسوفانی بزرگ مانند فارابی و ابن‌سینا- به رغم اشتها او به نقد فلاسفه- است. البته با توجه به دوران گوناگون حیات علمی غزالی، در اثنای مبحث فرایند صدور فعل به مبحث روش‌شناسی این مسئله نیز به فراخور مباحث پرداخته می‌شود.

فرضیه پژوهش حاضر این است که غزالی به توصیف و تبیین مسئله چگونگی فرایند صدور فعل توجه و اهتمام داشته است. فرایند صدور فعل از دیدگاه او برخوردار از تقدم و تأخر منطقی و مطابق هر تجربه انسان است. غزالی به رعایت اصل روش‌شناسی علوم متعهد است. روشن شدن فرایند صدور فعل در تحلیل مسائلی مانند تبیین تخالف نظر و عمل انسان‌ها، چگونگی تعوید انسان‌ها به فضائل و سوق جمهور به سمت اهداف مدن یاری می‌رساند. در پژوهش حاضر، نخست چستی نفس انسان و قوای نفسانی او بررسی می‌شود، سپس نمایه‌ای از فرایند صدور فعل ارائه می‌گردد، آنگاه تک‌تک مراحل صدور فعل مانند مقام غایت، خواطر غیراختیاری، مبادی محرک شهوانی و غضبانی، چستی اراده و به تبع ارادات متجدد و در نهایت فرایند صدور فعل بررسی می‌شوند.

پیشینه‌شناسی

اثری که در باب فرایند صدور فعل از دیدگاه غزالی نگارش یافته باشد، مشاهده نشده است. بنابراین اکثر مباحث در فرایند صدور فعل از دیدگاه غزالی که به صورت منسجم در این مقاله

مطرح شده است، می‌تواند از دستاوردهای جدید این پژوهش به‌شمار آید. از جمله نوآوری‌های پژوهش حاضر را می‌توان در توجه به اصل روش‌شناسی غزالی در اکثر عناوین این مقاله؛ مانند نفس‌شناسی، مرحله علمی‌گزینش غایت، مبادی محرک، چستی اراده و ارادات متجدد؛ مقایسه برخی از مباحث معرفت‌شناختی مرتبط با مراحل صدور فعل غزالی با فارابی، تبیین تخالف مقام نظر با عمل انسان‌ها بر حسب معیار انواع اعتقادات، روشن‌داشت واضح و متمایز از مقام علمی؛ یعنی تمایز دو مرحله شناخت و گزینش غایت، و توجه به مبادی علمی غیراختیای انسان و روشن‌داشت مواضع غزالی در مواجهه با نظریات فلسفی عنوان کرد.

یکی از آثاری که در حوزه مرتبط با انجام فعل صورت گرفته، مقاله «بررسی دیدگاه ابو‌حامد غزالی درباره درونی بودن موانع عملی تحقق فعل اخلاقی» است. تمرکز اصلی نویسنده مقاله در میان آثار غزالی در بیان مراحل تحقق فعل - به علت هدف آن در نگارش اثری در حوزه شناسایی مبادی و موانع تحقق عمل اخلاقی - اثر *احیاء علوم‌الدین* به عنوان اثر متعلق به دوره خلوت‌نشینی غزالی با رویکرد اخلاقی و دینی است. طبق گزارش نویسنده، مبادی تحقق فعل عبارت از علم، میل، حکم، اراده، قدرت و فعل است. سه مرحله نخست از عوامل ایجاد انگیزه هستند. علم «گزاره‌ای مشروط است که مقدم آن عملی است که درباره آن تأمل شده و تالی آن نتایج فعل است» و میل «آرزوی درست بودن نتایج و حکم رسیدن به این نتیجه است که مقدم یا فعل را باید انجام داد؛ اما ممکن است همزمان بیش از یک انگیزه در کار باشد»، سپس نویسنده راه‌حل غزالی را برای برون‌رفت از چندانگیزی و انتخاب یکی از آن‌ها، فکر و سنجش میان انگیزه‌ها، و شرط ارادی شدن انگیزه را تقویت و سازگاری آن با سایر مراحل عنوان می‌کند. او موانع تحقق فعل اخلاقی را «گرایش‌های طبع انسان، ضعف ایمان، هوای نفسانی، دوستی دنیا و شیطان» برشمرده و جایگاه تمام این موانع را در سه مرحله نخست بیان کرده است. به زعم نویسنده، غزالی هم‌عقیده با ارسطو در عاملیت ضعف اراده در گزینش دنیا بر آخرت و پیروی از هوای نفسانی و شیطان مجزای از طبع و ضعف ایمان است (خندق‌آبادی و اسلامی اردکانی، ص ۱۲۹-۱۰۵). تفاوت عمده پژوهش حاضر با مقاله فوق در عنوان آن‌ها هویدا است. افزون بر این مورد، رویکرد غزالی در سایر آثار با رویکرد او در *احیاء علوم‌الدین* متفاوت است. او در آثار دیگر طبق بررسی پژوهش حاضر، مقام علمی فرایند صدور فعل را در شناخت و گزینش غایت، مقام جازم حکم دانسته و در *احیاء*، گزاره‌های منوط به مقام علمی را به طور دقیق، گزاره‌ای شرطی بیان کرده است که با واسطه میل از حکم جدا می‌شود. او در *احیاء*، تعریف به آثار از میل در نسبت با

تعریف میل در آثار دیگر- مبنی بر هیجان نفس و غلیان آن پس از انتخاب غایت و برانگیختگی قوای شهوانی و غضبانی، طبق بررسی پژوهش حاضر- ارائه داده است؛ زیرا آرزوی حصول چیزی پس از هیجان نفس در انسان حادث می‌شود. از بیانات نویسنده مقاله فوق استنباط شده که او علت تخالف مقام نظر با عمل را در ضعف اراده دانسته؛ درحالی که در پژوهش حاضر علت تخالف، مرتبه هر انسانی استنباط شده است.

۱. چیستی نفس

غزالی انسان را موجودی معرفی کرده که متشکل از دو مؤلفه متضاد جسمانی و نفسانی است. عنصر جسمانی انسان از عالم ملک و دارای خصیصه‌های مادی، و عنصر نفسانی از عالم ملکوت است. بعد نورانی و ملکوتی انسان در آثار غزالی، معنون به نفس، قلب، روح، و عقل می‌شود. غزالی در آثار معارج‌القدس و روضة‌الطالبین برای هر یک از الفاظ مترادف نفس، قلب، روح و عقل دو معنا در نظر گرفته است.

با توجه به جامعیت مباحث معارج‌القدس در باب مباحث نفس‌شناسی با روضة‌الطالبین- که جزء آثار سال‌های پایانی عمر اوست (غزالی، بی تا ب، ص ۱۳-۱۰؛ ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۴-۱۱۳)، اشتراک وظایف متعلق به دو بُعدی بودن انسان؛ یعنی دو جزء نفسانی و مادی انسان با المنقذ- که جزء آثار سال‌های بازگشت به سوی مردم است- (همو، المنقذ، ص ۵۵۶)، مشابهت و تفصیل بیشتر مبحث چیستی ادراک، و شرایط حصول ادراک در نسبت با مقاصد الفلاسفه، محک‌النظر و معیارالعلم- که جزء آثار سال‌های اولیه دوران نگارش اوست- (همو، بی تا الف، ص ۱۶، ۵۳، ۷۵ و ۱۰۶؛ بی تا ب، ص ۱۵۳ و ص ۲۸۹؛ ۱۹۲۷، ص ۴۲-۴۱)، به نظر می‌رسد معارج‌القدس، آخرین نگارش متعلق به پایان دوران زندگی غزالی یا جزء نهایی ترین آثار اوست، پس بی جهت نخواهد بود که در بیشتر مباحث فوق که به آثار متعدد غزالی ارجاع داده می‌شود، ارجاع به معارج‌القدس نیز وجود داشته باشد.

غزالی در آثار متعدد خود از جمله الرسالة اللدنیة، کیمیای سعادت و المنقذ، شناخت ساختار ملکوتی انسان را امری بسیار سخت تلقی و بیان کرده که در دین، روشی برای آگاهی به ساختار نفسانی انسان مطرح نگردیده است (غزالی، بی تا ب، ص ۱۷ و ۱۳-۱۰؛ بی تا ج، ص ۲۷۶ و ۱۰؛ ۱۴۱۶ق، ص ۲۲۴؛ ص ۴۲۱-۴۲۰ و ص ۵۵۸).

چنانچه مشابهتی میان مباحث دوران خلوت‌نشینی غزالی و مابعد آن با آثار دوره نخستین نگارش او یافت شود، نشان‌دهنده آن است که این مباحث از آبخشور مطالعات دوران نخستین غزالی نشأت گرفته است. این مباحث مشترک ناشی از مطالعات دوران نخستین غزالی، ارکان نظام فکری او را تشکیل داده‌اند. مبحث عدم شناسایی روح انسان از آبخشور مقاصد الفلاسفه آغاز شده و به آثار دوران خلوت‌نشینی و مابعد او سرایت کرده است.

غزالی در *معیارالعلم* - که به نظر می‌رسد علم فلسفه و منطق، دغدغه دوران نخست زیست علمی غزالی بوده است - تعریفی مطابق با مشرب فلاسفه و متکلمان از نفس ارائه داده است؛ اما در *الرسالة اللدنیة، کیمیای سعادت و المنقذ* قائل به نظریه عدم شناسایی ذات انسان شده است. البته میان این دو سخن، تناقضی رؤیت نمی‌شود؛ زیرا تعریف در *معیارالعلم* بر حسب تعریف به آثار است؛ بدون اینکه تعریفی از ذات انسان ارائه دهد.

غزالی پس از ارائه تعریف فلسفی در *معیارالعلم* و کشف تناقض ارسطو در این تعریف به تعریف نفس انسانی در *معارج‌القدس* به عنوان آخرین اثر خود پرداخته است که به نظر می‌رسد تعریف مقبولی از نفس از دیدگاه او طبق رویکرد مرسوم فلاسفه باشد. او سازه‌های سازنده نفس انسان را در *معارج‌القدس*، «انجام افعال اختیاری»، «تعقل و استنباط جزئیات» و «ادراک امور کلی» عنوان کرده (همو، بی تا ب، ص ۱۷ و ۱۶) که همگی مبتنی بر فصل ممیز انسان؛ یعنی مدرک بودن اوست.

وجه ملکوتی، نفسانی و مدرک انسان به عنوان امری نورانی، جوهر مفرد ادراک‌کننده، انجام‌دهنده افعال و حرکت‌کننده به واسطه آلات معرفی شده و شأن آن تذکر، حفظ، تفکر، تمییز، سنجش، اکتساب علوم و قبول صور مجرد در *الرسالة اللدنیة* عنوان شده است (همو، ۱۴۱۶ق، ص ۲۲۴). قوای انسان که آلات او جهت فعلیت‌بخشیدن به هر دو جزء جسمانی و نفسانی به‌شمار می‌روند، اسباب کمال و آگاهی انسان را فراهم می‌کنند که در *رساله المنقذ* به آن اشاره شده است (همو، ۱۴۱۶ق، ص ۵۵۶). تعریف غزالی در *معارج‌القدس* بر اساس ارکان چستی نفس در *الرسالة اللدنیة، کیمیای سعادت و المنقذ* به عنوان آثار دوره خلوت‌نشینی اوست.

در باب تخالف ظاهری دیدگاه‌های غزالی باید گفت این نظریه متعلق به سه دوره نخستین زیست علمی - در قول به تعریف نفس در تک‌نگاره منطقی - و عدم شناسایی ذات انسان - متعلق به دوره خلوت‌نشینی و بازگشت به مردم - منافاتی با یکدیگر ندارند. این عدم منافات در جمع دو دیدگاه به ظاهر متناقض در آخرین اثر او نیز؛ یعنی *معارج‌القدس* آمده است.

غزالی در اوایل معارج‌القدس هم تعریف دقیقی از نفس انسان ارائه می‌دهد و هم در اواسط و اواخر اثر، نظر اصلی خود را در باب عدم امکان ارائه حد حقیقی برای تمام امور عنوان می‌کند. این دو نظر به ظاهر متناقض مبتنی بر دو حیثیت مختلف بیان شده‌اند. جالب اینجاست که فارابی نیز به چنین نظریه‌ای قائل شده است. به نظر می‌رسد غزالی در اخذ این دو دیدگاه به ظاهر متناقض، متأثر از فارابی بوده است؛ بنابراین نگارش تهافت‌الفلاسفه نشان دهنده موضع و رویکرد ابطال‌گرایانه غزالی نسبت به تمام مباحث فلسفی و رد دانش فلسفه به طور کلی نیست.

فارابی معتقد است بشر به علل ملابست با هیولی تا زمان زیست مادی، نیازمندی به قوای بدنی، انس با مدرکات حسی و خیالی، و عدم آشنایی و انس با معقولات (فارابی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۸۷-۳۷۲)، توانایی فهم حقایق امور را ندارد؛ از این‌رو در شناسایی تمام امور متوسل به خواص، لوازم و آثار آن‌ها می‌شود (همان، ص ۳۸۷-۳۷۲). اخذ این دیدگاه از سوی فارابی منجر به رد نظریه حد حقیقی و قول به ماهیات و ارائه تعریف رسمی از تمام امور شده است (همان، ص ۳۹۸). این دیدگاه بر نظریات فیلسوفان و نظریه‌پردازان سایر حوزه‌های علمی از جمله غزالی تأثیر گذاشته است. از طرفی غزالی به تعریف نفس انسان در اوایل معارج‌القدس پرداخته است (غزالی، بی تا ب، ص ۱۷ و ۱۶)، از طرف دیگر به این موضوع قائل شده است که معرفت از طریق حدود و اجزای امور میسر نیست؛ بنابراین از دیدگاه غزالی امکان شناسایی به امور به علت ملابست نفس انسان‌ها با بدن، عوارض مادی و انفعال از قوای حیوانی شهبانی و غضبانی ممکن نیست (همو، بی تا ب، ص ۱۰۷-۱۰۶ و ۱۳۶-۱۳۵) و تعریف انسان حتی با رویکرد فلسفی نیز تعریفی مبتنی بر آثار، و لوازم ادراکی و حرکتی انسان است.

۱. ۱. قوای نفسانی

مباحث غزالی در باب دو فعلی بودن انسان به تبع دو بُعدی بودن او، افزون بر المنقذ در معارج‌القدس نیز مطرح شده است (همو، بی تا ب، ص ۲۸؛ ق ۱۴۱۶، ص ۲۶۰ و ۲۵۴). مبحث قوای عالمه منقسم به دو جزء قوه عقل نظری و عملی، و عامله، افزون بر المقاصد‌الفلاسفه، تهافت‌الفلاسفه و معیار‌العلم در معارج‌السالکین و معارج‌القدس نیز مطرح شده است (همو، ۱۹۲۷، ص ۱۸۴؛ بی تا ج، ۲۸۸؛ ۱۳۸۲، ص ۲۴۱؛ ۱۴۱۶ق، ص ۵۸؛ بی تا ب، ص ۴۰).

همانندی مباحث نفس‌شناسی و قوای نفسانی در آثار متقدم و متأخر دوران حیات علمی غزالی با دو رویکرد متفاوت فلسفی و عرفانی نشان می‌دهد که غزالی لااقل در مباحث نفس‌شناسی

دیدگاهی تقریباً منسجم در کل نظام فکری خود داشته است، با پیش رفتن عمر حیات مادی، حیات علمی او کامل شده و اگر تهافتی نیز به زعم خود در دیدگاه فلاسفه کشف کرده باشد، اصل مبحث نفس‌شناسی فلاسفه را نشانه نگرفته است.

نفس انسانی از دیدگاه غزالی، جوهر واحدی است که دو جنبه ملکی و ملکوتی دارد. غزالی برای تبیین ارتباط نفس با جنبه‌های تحت نفسانی و فوق نفسانی قائل به دو قوه اصلی برای انسان شده است. این دو قوه، قوای عالمه و عامله هستند. قوه عالمه خود به دو قسم عقل نظری و عملی تقسیم می‌شوند. قسم نظری قوه عالمه که قوه منتسب به جنبه فوق نفسانی است، نقش پذیرش‌گری و ادراک‌کنندگی حقایق و معقولات را برعهده دارد، و قسم عملی آن که قوه منتسب به جنبه تحت نفسانی است، نقش تحریک قوه شوقیه را جهت انجام افعال اختیاری و تأثیر بر قوه عامله عهده‌دار است (همو، ۱۹۲۷، ص ۱۸۴)؛ زیرا انسان با عقل عملی خود، غایت علمی و ظنی خویش را انتخاب می‌کند و به تبع انتخاب غایت به سمت انجام افعال برانگیخته می‌شود. فعل مختص عقل نظری، تعقل نام دارد. فعل مختص عقل عملی نیز سیاست نام دارد که به تدبیر بدن و ساحات مختلف حکمت عملی می‌پردازد (همو، بی تا ب، ص ۲۸، ۴۱ و ص ۶۸؛ ۱۳۸۲، ص ۲۵۴، ۲۴۱ و ۲۶۰؛ ۱۴۱۶ق، ص ۵۸؛ بی تا ج، ص ۲۲۸؛ ۱۹۲۷، ص ۱۸۴).

قوای عقل عملی که غزالی از آن‌ها تحت قوای حیوانی مدرکه در کنار محرکه نام برده، به دو قسم باعته و فاعله (مباشر حرکت) تقسیم شده است. قسم باعته قوه محرکه از طریق دو قوه شهوت و غضب به جذب منفعت و دفع ضرر مبادرت می‌ورزد (همو، بی تا ب، ص ۳۰-۲۹؛ ۱۳۸۲، ص ۲۴۰؛ ۱۴۱۶ق، ص ۵۸؛ بی تا ج، ص ۲۷۶). قسم دیگر قوه محرکه؛ یعنی فاعله، قوه‌ای است که در معارج‌القدس از آن به قدرت تعبیر می‌شود. این قوه محرک اعصاب و عضلات برای انجام افعال است (همو، بی تا ب، ص ۳۰؛ ۱۳۸۲، ص ۲۴۱-۲۴۰).

در آثاری مانند مقاصد الفلاسفه، تهافت الفلاسفه، معراج السالکین و معارج‌القدس، قوای حیوانی به دو قسم محرکه و مدرکه و مدرکه به پنج قوه ظاهری و پنج قوه باطنی تقسیم شده است. غزالی قوای مدرکه باطنی را به سه قسم تقسیم می‌کند. قسمی از قوا، قوای ادراک‌کننده هستند و نه حافظ؛ مانند حس مشترک برای ادراک صور و قوه وهم برای ادراک معانی جزئی؛ قسمی دیگر، قوای حافظ داده‌ها هستند؛ مانند قوه خیال و قوه حافظه و ذاکره و قسم دیگر قوای ادراک‌کننده و تصرف‌کننده هستند؛ مانند قوه مخیله و مفکره (همو، بی تا ب، ص ۳۶ - ۳۰؛ ۱۳۸۲، ص ۲۳۹ - ۲۳۸؛ ۱۴۱۶ق، ص ۵۸).

۲. فرایند ظهور عمل

بر حسب تغییر تکمیلی تدریجی حیات علمی غزالی بدون رخداد تناقضی در مبحث نفس‌شناسی و فرایند صدور فعل او که در مباحث بعدی بیان می‌شود، سامان‌بخشی منسجم مباحث نفس‌شناسی او در طی تمام آثار حیات علمی او، عدم وجود تناقض در مباحث قوای مدرکه و محرکه ناظر به عمل و تأثیرات او از فلاسفه بزرگی همچون فارابی و ابن‌سینا در حیطه نفس‌شناسی (همو، ۱۴۱۶ق، ص ۲۸۵) استنباط می‌شود که فرایند انجام فعل انسان در کل آثار فلسفی، منطقی و عرفانی او از انسجام برخوردار است. شاهد مثال برداشت فوق که البته آن هم نتیجه مباحث گذشته است، ارجاعات هم‌زمان به آثار اولی فلسفی، نقد فلسفی و منطقی در زمان حیات علمی نخستین غزالی، ارجاع به آثار عرفانی در حیات دوران وسطی علمی غزالی از خلوت‌نشینی و برگشت، و ارجاع به آثار اخیری حیات علمی در مراحل فرایند صدور فعل است؛ همچنین ارجاع به آثار متأخر غزالی به خصوص اثر *معارج‌القدس* او در اکثر ارجاعات به آثار متقدم و متوسط دوره حیات علمی غزالی است.

غزالی در چندین اثر خود به بیان ترتب فرایند صدور فعل پرداخته است. او نخستین مرحله صدور فعل اختیاری را رسول علم عنوان می‌کند. غزالی مقصود از رسول علم را مقام تصور تنها نمی‌داند؛ بلکه در *الهیات مقاصد الفلاسفه و معارج‌القدس* تصریح می‌کند حصول علم می‌بایست به مقام جزمی حکم برسد، حکم جزمی علمی یا ظنی نسبت به خیر بودن یا شر بودن امری. مرحله دوم فرایند صدور فعل، اراده برخاسته از طلب منفعت و امر ملائم یا دفع ضرر برای دفع منافی و مضاد جهت دوام بقای ناشی از قوای شهوانی و غضبانی است. قوای شهوانی و غضبانی، قوای محرک انسان و مرحله بعد از اراده، قدرت محرک عضلات است (همو، بی تا ج، ص ۲۷۶؛ ۱۶۳-۱۶۵؛ ۱۳۸۲، ص ۲۴۱-۲۴۰ و ص ۱۵۳؛ ۱۹۲۷، ص ۱۸۴؛ بی تا ب، ص ۳۰ و ص ۳۵۲-۳۵۱).

غزالی اسباب معرفت را حواس ظاهر و باطن، اسباب اراده را حدود میل و رغبت ناشی از شهوت که برانگیزاننده به سوی انجام فعل است و اسباب قدرت را اعضای متحرک جسمانی معرفی می‌کند (همو، بی تا الف، ص ۳۵۲-۳۵۱). نظریه غزالی در *احیاء علوم‌الدین* در حوزه فرایند صدور فعل نه تنها تناقضی با آثار فلسفی و منطقی او در دوره متقدم و متأخر حیات علمی او ندارد؛ بلکه در جهت تکمیل، تأیید و انسجام مباحث او در سایر آثار اوست.

همبستگی ترتیبی هر یک از این مراحل نسبت به یکدیگر در حدی است که تا هر یک از مراحل به فعلیت و جزمیت نرسند، مرحله بعدی نیز حادث و در نتیجه فعلی صادر نمی‌شود

(همو، بی تا الف، ص ۳۵۲-۳۵۱؛ بی تا ب، ص ۳۰)؛ بنابراین غزالی مرحله جزمیت و استحکام را برای هر یک از مراحل علمی و ارادی به کار می‌برد؛ لذا پس از جزمیت و قطعیت اعتقاد در مرحله علمی نوبت به استحکام و قطعیت مرحله قوه طلب و نزوعی می‌رسد تا مرحله شوقانی در فرایند صدور فعل به تمامیت خود برسد، اراده حادث و فعل از انسان صادر شود. با توجه به مراتب فوق، مرحله شوقانی مرتبه کمال یافته قوای باعثه شهوانی و غضبانی است. قوای شهوانی و غضبانی، قوای فرمانبردار و تابع عقل عملی انسان می‌باشند (همو، ۱۹۲۷، ص ۱۸۴) که در صورت ضعف قوه عقل عملی در تبعیت از قوه عقل نظری، خادم شهوات و امیال می‌شوند. از آنجایی که تمام فرایند صدور فعل تحت نظارت عقل عملی واقع می‌شود، عقل عملی معنون به محرک بودن می‌شود.

بنابر بیانات فوق، نخستین مرحله فرایند صدور فعل، تصور غایت و تصدیق به فایده آن است. دومین مرحله، قوای غضبانی و شهوانی هستند که عهده‌دار برانگیختن نفس جهت تحریک و عامل جلب امر مطلوب یا دفع مهروب است. سومین مرحله، ایجاد رغبت به واسطه قوه نزوعیه شوقیه انسان است و چهارمین مرحله، حدوث اراده است که به صدور فعل از انسان منتهی می‌گردد (همو، بی تا ج، ص ۱۶۵-۱۶۳؛ ۱۳۸۲، ص ۲۴۰؛ ۱۴۱۶ق، ص ۶۸؛ بی تا ب، ص ۳۰-۲۹). مراحل فوق با تعریف فاعل از دیدگاه غزالی مطابقت دارد. غزالی می‌گوید: فاعل کسی است که از او فعلی سر می‌زند که برخاسته از آگاهی به غایت، اراده و اختیار است (همو، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱). بیان کردن اراده و اختیار تزامن در تعریف فاعل هم نشان‌دهنده روح حیوانی مشترک میان تمام حیوانات از جمله انسان در قوای شهوت و غضب و هم نشان‌دهنده عامل تمایز انسان‌ها با سایر حیوانات در برخورداری از قوه علم است.

۲. ۱. مقام غایت

غزالی مقام علم را در فرایند صدور فعل، اصل و ریشه و عمل را به منزله فرع و میوه علم معرفی می‌کند (همو، بی تا الف، ص ۳۵۲-۳۵۱). او از مرحله علمی با عنوان طلب ملائم و دفع منافی در *طبیعیات مقاصد الفلاسفه* (همو، بی تا ج، ص ۲۷۶)، امر محبوب، منفعت‌بخش، لذت‌بخش و خیر در *الهیات مقاصد الفلاسفه* (همو، بی تا ج، ص ۱۶۵-۱۶۳)، صورت مطلوب و مهروب در *تهافت الفلاسفه* (همو، ۱۳۸۲، ص ۲۴۱-۲۴۰)، معرفت به توافق چیزی با انسان در *احیاء* (همو، بی تا

الف، ص ۳۵۲-۳۵۱) و با عنوان خیر یا شر علمی یا ظنی در معارج‌القدس استفاده کرده است (همو، بی تا ب، ص ۳۰).

در طبیعیات مقاصد‌الفلاسفه، الهیات مقاصد‌الفلاسفه، تهافت‌الفلاسفه، احیاء و معارج‌القدس به ترتیب براساس اصل روش‌شناسی، مطابق با رویکرد طبیعت‌گرایانه، الهیاتی، فلسفی، صوفیانه، جامع فلسفی و عرفانی، معیار انتخاب یا اجتناب غایت بر اساس میزان تلائم امری با طبیعت انسان و یا تنافر آن با طبیعت او، عالی‌ترین منفعت، لذت؛ یعنی لذت عقلی و خیر اعلی، پذیرش قلبی انسان، معرفت به امور مورد پذیرش و یاری‌رسان به صعود انسان سالک، و مراتب ادراکات حسی، خیالی و عقلی انسان‌هاست. اطلاق نخستین مرحله علمی فرایند صدور و فعل؛ یعنی گزینش غایت با عناوین مختلف در هر یک از آثار متقدم، متوسط و متأخر غزالی بر حسب معیار رویکرد هر علم است. در اطلاق این عناوین بر مرحله علمی هر یک از این آثار، تناقضی دیده نمی‌شود. تفاوت تنها به رویکرد هر یک از علوم برمی‌گردد.

غزالی مرتبه علمی فرایند صدور فعل را مرتبه جزمی حکم عنوان می‌کند. او این مرحله را مرحله تصدیق غایت ظنی یا علمی عنوان کرده است (همو، ۱۹۲۷، ص ۱۸۴). مقام غایت، مقامی است که در آن، غایت انتخاب شده هر انسان با توجه به شرایط مختلف در نظر او، خیر جلوه می‌کند؛ بنابراین حدوث اراده انسان به اعتبار گزینش غایتی است که او، آن را برای خود خیر می‌داند؛ به عبارتی اراده او تابع خیرپنداری اوست (همو، بی تا ج، ص ۱۶۵-۱۶۳). تعبیر دیگر غایت در اثر روضة‌الطالبین بر حسب رویکرد عرفانی آن، نیت است. او نیت را به تمیز اهداف و اغراض تعریف کرده است؛ یعنی انسان از میان اهداف مختلف خیر و شر اخلاقی و شرعی به سنجش و درنهایت گزینش غایت مطلوب خود می‌رسد؛ بنابراین اطلاق واژه غایت، اطلاق نفسی است و اطلاق واژه نیت، اطلاق قیاسی است. غزالی مطابق با رویکرد عرفانی روضة‌الطالبین، اراده را موسوم به نیت کرده است (همو، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵۳؛ بی تا الف، ص ۳۵۲). به نظر می‌رسد اطلاق واژه نیت بر اراده مبتنی بر مبادی علمی آن باشد؛ لذا اراده خود نماد مبادی پیشین حدوث خود محسوب می‌شود.

اعتقاد جازم را می‌توان به منزله جنسی لحاظ کرد که دارای انواع اعتقاد علمی، ظنی و تخیلی است؛ بنابراین از دیدگاه غزالی، افراد در انواع اعتقادات خویش می‌بایست به مرحله جزمیت برسند تا فعلی را به انجام برسانند یا از انجام فعلی ممانعت ورزند. غزالی برای هر یک از انواع اعتقاد جازم مثال می‌زند و می‌گوید: اعتقاد علمی مانند فعل مهندس براساس علم حقیقی ذهنی

اوست. اعتقاد ظنی مانند فعل بیمار و اجتناب از توهمات مضرّ اوست و اعتقاد تخیلی مانند طلب امری مشابه با امر محبوب شخص به رغم آگاهی فرد به غیریت آن با آن امر محبوب خویش است. انواع مختلف اعتقاد جازم نشان‌دهنده این است که هر یک از انسان‌ها بنا بر اقتضائات و شرایطی در مرتبه‌ای از مراتب انسانیت قرار می‌گیرند که در همان مرتبه مختص خود می‌بایست اعتقادات آن‌ها به مرحله جزمیت برسند.

فارابی نیز به مراتب مختص هر یک از انسان‌ها قائل است (فارابی، ۱۹۶۷، ص ۱۱۸۵). توجه به مرتبه وجودی- معرفتی هر یک از انسان‌ها و انتخاب غایت متناسب با مرتبه مختص آن‌ها و عمل در راستای آن تبیین‌کننده اختلاف مقام نظر با عمل انسان‌هاست؛ زیرا اکثریت مردم به رغم معرفت به فضایل و رذایل از عمل در راستای حسنات و فضایل سرباز می‌زنند. از این اختلاف، تفاوت مقام نظر با عمل استنباط نمی‌شود؛ بلکه این اختلاف نشان‌دهنده صدور فعل مبتنی بر مرتبه وجودی- معرفتی هر یک از انسان‌هاست.

مراتب انسانی را طبق تقسیم‌بندی غزالی در *مشکاة الانوار* می‌توان در مراتب ارواح حسی، خیالی، عقلی، فکری و قدسی تقسیم کرد (غزالی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۸۵). انسان با توجه به قرار گرفتن در هر مرتبه‌ای از مراتب روحی، غایتی را برای خود خیر می‌پندارد؛ به عبارتی اعتقاد او متناسب با مرتبه خویش به مرحله جزمیت می‌رسد. ممکن است جزمیت اعتقاد در مراتب تخیلی، جزمیت صادقی نباشد؛ زیرا در صورتی که قوای ادراکی انسان مشغول به مشغولیات صرف مادی باشد، متخیله آن‌ها با کارکردهای تفصیلی، ترکیبی و محاکاتی صور و معانی قادر خواهد بود صور و معانی مجازی و کاذب خلق کند و آن‌ها را در عوض صور و معانی حقیقی به انسان عرضه کند، و در صورتی که قوای ادراکی انسان، تمام مشغله‌های خود را از امور مادی پر نکند و روی به سوی عالم عقل داشته باشد، متخیله آن‌ها قادر خواهد بود صور و معانی حقیقی را به انسان عرضه کند (همو، بی‌تا ب، ص ۶۲). مرحله علمی تصور امر محبوب، ملذ و تصدیق به فایده آن در هر دو صورت حقیقی و مجازی (باطل) در قوه متخیله سبب می‌شود قوه شهوانی و غضبانی انسان برانگیخته گردد و به تبع این برانگیختگی، قوه شوقانی انسان به نقطه‌ای برسد که به انجام فعل مبادرت ورزد (همو، بی‌تا ج، ص ۱۶۵-۱۶۳).

۲.۱.۱. خواطر غیراختیاری

غزالی در دوره خلوت نشینی خود در *قانون التّأویل* به تبع رویکرد صوفیانه و نیاز به تأویل در

مباحث مربوط به رؤیاهای صادقانه و دریافت وحی به بیان مختصر خواطر غیراختیاری پرداخته است. او در آخرین آثار حیات علمی خود به تفصیل در این باب در *روضه‌الطالبین* به تبع رویکرد عرفانی آن سخن گفته است. تفاوت مباحث غزالی در آثار دوران مختلف حیات علمی او نشان از تناقض‌گویی‌های او نیست؛ بلکه نظریات او در هر اثر و در هر دوره نشان از رعایت اصل روش‌شناسی او مطابق با رویکرد هر اثر است.

غزالی از مرحله علمی انسان در فرایند صدور فعل در *معارج‌القدس*، تعبیر به رسول علم می‌کند (همو، بی تا ب، ص ۳۰). تعبیر رسول در *روضه‌الطالبین* و *معارج‌القدس* برای علم نشان می‌دهد که توجه غزالی به مبدأ برخی از افاضات علمی انسان؛ مانند خواطر الهی یا خواطر شیطانی است که می‌توانند از عوامل صدور افعال خیر یا شر قرار بگیرند. به رغم غیراختیاری بودن خواطر (همو، ۱۴۱۶ق، ص ۱۴۱)، در صورتی که این خواطر منجر به صدور فعل گردند، عنوان نیت مانند سایر تصدیقات در فرایند صدور فعل به آن‌ها تعلق می‌گیرد، زیرا گاهی برخی از انسان‌ها این خواطر را در مقام علمی فرایند صدور فعل به عنوان منفعت خویش گزینش می‌کنند؛ به عبارتی این خواطر، معتقد آن‌ها واقع می‌شود و انسان در باب شایستگی و عدم شایستگی آن حکم می‌کند و به سنجش می‌پردازد، سایر مراحل صدور فعل بر مبنای آن صورت می‌گیرد و عقاب و پاداش به آن تعلق خواهد گرفت؛ بنابراین انسان در صورتی از مجازات و عقاب معاف می‌شود که خواطر، امیال و هیجانات نفس منجر به انجام فعل یا ترک فعل نگردند.

غزالی در *روضه‌الطالبین* از مقدمات علمی با عنوان خواطر یاد می‌کند که می‌توانند از عوامل محرک امیال انسان به واسطه قوای شهوانی و غضبانی و برانگیزاننده شوق در جهت انجام فعل باشند. خواطر آثاری هستند که در قلب انسان حادث می‌گردند و نقش آن‌ها برانگیزانندگی به سوی انجام فعل یا ترک فعل است.

غزالی حدوث تمام خواطر را از جانب الهی می‌داند و آن‌ها را به چهار قسم منقسم می‌سازد (همو، ۱۴۱۶ق، ص ۱۴۱). عنوان اولین قسم، خاطر است و غزالی حدوث آن را از جانب الهی در قلب انسان می‌داند و در توصیف آن می‌گوید: گاهی در خواطر از جانب الهی، خیر، اکرام و الزام حجت نهفته است، و گاهی هم برای امتحان، شر. دومین قسم خواطر، حدوث خواطری است که در ثلاثم و موافقت با طبع انسان است و معنون به نفس می‌شود. نفس نیز جز هوای شر ندارد. در صورتی هم که در آن، خیری نهفته باشد، این خیر، خیر ذاتی نیست؛ بلکه در جهت هوای نفسانی به کار می‌رود. سومین قسم، حدوث خواطر منسوب به وسواس و از جانب شیطان

است. وسواس شیطانی جز به جهت اغوا و فریب رخ نمی‌دهد. در صورتی هم که در آن خیری باشد، در این خیر، مکرری اغواکننده نهفته دارد. چهارمین قسم نیز که حدوث آن از جانب الهی است، الهام نام دارد و از آن جز خیر صادر نمی‌شود؛ مانند نصایح فرد مرشد (همان، ص ۱۳۵؛ ۱۴۱۶ق، ص ۵۸۴).

۳. مبادی محرک

غزالی هم در آثار عرفانی متعلق به دوره خلوت‌نشینی و هم در آثار متعلق به دوره آخر حیات علمی خود، هر یک از مراحل فرایند صدور فعل را به ترتیب ذکر می‌کند. او نزدیک‌ترین آلات متأثر از مقام گزینش غایت، محرک قوه شوقیه و قوای مشترک در حیوانات را قوای شهوانی و غضبانی معرفی می‌کند. غزالی در *روضه‌الطالبین*، هر یک از مراحل صدور فعل را با عنوان جنود معرفی کرده است. یک دسته از جنود، قوای مدرک ظاهری و باطنی هستند که علوم به واسطه تور آن‌ها، صید انسان می‌شوند. دسته دیگر جنود، انسان را در جهت جذب منافع و دفع مضرات برمی‌انگیزانند؛ مانند قوای شهوت و غضب که غزالی آن‌ها را منسوب به اراده می‌کند. صنف دیگر جنود، محرک اعضای انسان جهت دست‌یابی به مقاصد هستند که غزالی از آن‌ها با عنوان قدرت یاد می‌کند. تمام قوای مدرک و محرک اعم از باعثه و فاعله، جنود قلب برای سیر الی‌الله هستند (غزالی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۵، ۲۷۲، ۷۳). اطلاق عنوان جنود بر مراحل صدور فعل نشان از جهان‌بینی غزالی در قبال کشمکش دائمی میان حق و باطل بر اساس دو جزء متضاد نفسانی و ملکوتی انسان در تمام ساحات نظری و عملی اوست.

غزالی حس، شهوت و غضب را به عنوان قوای مشترک تمام حیوانات از سپاهیان روح حیوانی و عامل حرکت ارادی حیوانات در *الرسالة اللدنیة و کیمیای سعادت* بیان می‌کند (همو، ۱۴۱۶ق، ص ۲۲۵). او انسان‌ها را در *کیمیای سعادت* در برخورداری از قوه علم متمایز از حیوانات معرفی می‌کند (همو، ۱۴۱۶ق، ص ۴۲۲). حرکت ناشی از قوای شهوانی و غضبانی در حیوانات معنونه اراده، و مبادی نظری انجام افعال؛ یعنی ادراک کلیات، استنباط جزئیات از کلیات و شوق ناشی از ادراک کلیات و جزئیات معنونه اختیار می‌شود. قوای شهوانی و غضبانی مربوط به جنبه ملکی و قوه منتسب به آن عقل عملی، و قوه علم مربوط به جنبه ملکوتی و قوه منتسب به آن؛ یعنی عقل نظری است؛ از همین روی غزالی نخستین اطلاق معنای نفس در *معارج القدس* و

روضه‌الطالبین را به نقل از صوفیه، صفات ناپسندی عنوان می‌کند که برخاسته از قوای حیوانی شهوانی و غضبانی است (همو، بی تا ب، ص ۱۰؛ ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۴).

غزالی صاحبان عقل عملی را به علت سستی قوه عقل عملی در تبعیت از قوه عقل نظری تابع شهوات می‌داند که می‌بایست از طریق ریاضت، مجاهدت و مواظبت برخلاف خواهش نفسانی، مطیع اوامر عقل نظری گردند و به سعادت نائل شوند (همو، ۱۹۲۷، ص ۱۸۴). عامل حدوث شهوت و غضب، ارتباط قوه عامله با قوه نزوعی است.

۴. چیستی اراده

غزالی مبحث اراده و تفصیل آن را در *تهافت الفلاسفه* - به عنوان نخستین آثار دوران حیات علمی او و با وجود رویکرد انتقادی او به برخی از دیدگاه‌های فلاسفه - و *معارض القدر* بیان داشته و دیدگاه مشابهی در هر دو اثر به رغم اختلاف در دوران اولیه حیات علمی با دوران پختگی حیات علمی خود بیان داشته است. که نشان می‌دهد غزالی تمام اقوال فلاسفه را به رغم اشتها در انتقاد از فلاسفه رد نکرده است. او حتی در *تهافت الفلاسفه* نیز با رویکرد فلسفی به مبحث اراده و تفصیل آن پرداخته است.

غزالی در *تهافت الفلاسفه*، عنوان اجماع مبادی صدور فعل را اراده می‌نهد؛ بنابراین اراده حاصل فرایند مبادی معرفتی ترسیم صور علمی، ظنی و تخیلی نسبت به خیر بودن یا شر بودن غایت و برانگیخته شدن انسان به واسطه قوه نزوعیه شوقی ناشی از قوای شهوانی و غضبانی است (همو، بی تا ج، ص ۲۷۶؛ ۱۳۸۲، ص ۲۴۰؛ بی تا الف، ص ۳۵۲-۳۵۱؛ ۱۴۱۶، ص ۵۸؛ بی تا ب، ص ۳۰-۲۹). از این رو اراده مفهوم گسترده‌ای دارد که در خود مراحل پیشین فرایند صدور فعل از تصور و تصدیق به غایت، قوای شهوانی و غضبانی جهت ایجاد رغبت و شوق را تحت پوشش قرار می‌دهد؛ بنابراین مفهوم اراده، مفهومی گسترده دارای فرایند چند مرحله‌ای است؛ یعنی مبدئی دارد و وسطی و مآخری. مبدأ اراده، صورت علمی غایت و تصدیق به مطلوبیت، لذت، منفعت و خیر بودن آن یا جزم بر مهروب، الم، ضرر و شر بودن آن است که در قوه متخیله مرتسم می‌گردد. در صورت تسلط طبیعت جسمانی انسان، قوه متخیله عامل گزینش غایت و در صورت تسلط وجه ملکوتی انسان، قوه مفکره عامل گزینش خیر حقیقی خواهد شد (همو، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰؛ ۱۴۱۶ق، ص ۶۸؛ بی تا ب، ص ۳۰-۲۹).

پس از مرحله علمی به عنوان اولین مبادی شکل گیری اراده نوبت به قوای محرکه باعثه شهوانی و غضبانی می‌رسد که سبب ایجاد میل، رغبت، تحریک و نزوع قوه شوقانی می‌گردند. غزالی عنوان این اجماع تام بر انجام فعل را اراده می‌نهد (همو، بی تا ج، ص ۲۷۶؛ ۱۳۸۲، ص ۲۴۰؛ ۱۳۱۶، ص ۵۸؛ بی تا ب، ص ۲۹-۳۰). و آن را مبدا فعل معرفی می‌کند. غزالی تصریح می‌کند تا زمانی که امری در قوه متخیله تصور نشود، نمی‌توان بدون آن اقدام به انجام عمل کرد (همو، ۱۳۸۲، ص ۱۵۳؛ ۱۴۱۶، ص ۱۱۹ و (الأجویة)، ص ۳۶۵؛ بی تا ب، ص ۲۴۵). غزالی در *تهافت الفلاسفه* عنوان می‌کند صرف تصور متصور در نفس برای انجام فعل مطابق با آن کفایت نمی‌کند و نیاز به اراده متجدد منبعث از قوه شوقیه و سپس حرکت عضلات خواهد بود.

۴. ۱. ارادات متجدد

فارابی در آثار خود از جزئی‌سازی ارادات و به طریق اولی تصور جزئی و شوق جزئی ناظر به انجام فعل و همینطور سازوکار جزئی‌سازی مقدمات سخنی نگفته است. در عوض از فضیلتی با عنوان عقل عملی نام برده که عهده‌دار ادراک مقدمات کلی ناظر به انجام عمل، استنباط مقدمات جزئی بر مدار شایستگی‌ها و عدم شایستگی‌ها از خزانه اندوخته از تجارب مشاهداتی انسان در قوه متخیله است (فارابی، ۱۹۰۷، ص ۷۴۰؛ ۱۳۴۴ق، ص ۱۰). عدم تصریح فارابی به جزئی‌سازی مقدمات نشان‌دهنده عدم توجه او به تمهیدات ناظر به مقام فعل نیست؛ بلکه او با بیان فضایل در استنباط تدابیر در حوزه حکمت عملی به دقیق‌ترین و عمیق‌ترین لایه‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی توجه نشان داده است.

به رغم فلسفه نگارش اثر *تهافت الفلاسفه*، غزالی در همان *تهافت الفلاسفه* در ترسیم دقیق مبحث ارادات متجدد متأثر از ابن‌سیناست؛ همچنین متأثر از *فصوص الحکمی* است که منسوب به فارابی است؛ در حالی که از فارابی نیست و طبق پارادایم سینوی نگاشته شده است.

غزالی برخلاف فارابی در *تهافت الفلاسفه* به جزئی‌سازی علم و اراده پرداخته است. او حدوث اراده کلی را جهت انجام فعل کافی نمی‌داند؛ از این رو مبحث ارادات متجدد را به میان می‌آورد. او جهت روشن‌داشت حرکت انسان و مبحث ارادات متجدد مثال می‌زند و می‌گوید: صرف اراده کلی موجب حدوث حرکات جزئی در جهت وصول به هدف نمی‌شود. او در ادامه سخن خود را تبیین می‌کند و می‌گوید: برای رسیدن به خانه خدا (حج) گریزی از گام برداشتن‌های جزئی در جهت معین از میان جهات متعدد و طی کردن مسافت متعین نیست. هر یک از این گام

برداشتن‌ها و گزینش‌ها به منزله فعلی مستقل محسوب می‌شود که نیازمند تمهیدات پیشینی؛ مانند تصدیق جازم معین و اراده معین مختص به آن فعل معین هستند؛ بنابراین گزینش جهت معین از میان جهات متعدد و حدوث هر حرکت نیازمند تصور جزئی، و به تبع اراده‌ی جزئی ناظر به آن است.

نحوه حدوث تصورات و تجدد ارادات جزئی به این صورت است که با هر گام برداشتی در جهت معین، تصویری برای شخص در نسبت با گام بعدی و گزینش بهترین جهت برای وصول به حج حادث می‌گردد، به دنبال آن تصور، اراده‌ی جزئی نیز منبث گردیده تا فرد گام سوم خود را بردارد؛ بنابراین از یک تصور و اراده کلی رسیدن به حج، تصورات و ارادات جزئی دیگر منبث می‌گردند. تدوام حرکت مبتنی بر تصور و اراده کلی است که با تمام تصورات و ارادات جزئی همراه است؛ در واقع اراده کلی به همراه همه تصورات و ارادات جزئی عامل و تضمین‌کننده حدوث و دوام حرکات بعدی خواهد بود (همو، بی تا ج، ص ۲۰۳-۲۰۲؛ ۱۳۸۲، ص ۲۱۶).

۵. فرایند صدور فعل

غزالی سه مؤلفه علم، اراده و قدرت را از مراحل فرایند صدور فعل معرفی می‌کند. اجزای سازنده هر یک از این مؤلفه‌ها به صورت پراکنده در آثار غزالی ذکر شده‌اند که باید با نظامی منطقی آن‌ها را توصیف و تبیین کرد.

مقام علمی مبین فکر، تأمل، سنجش و گزینش مقصود اصلی صدور فعل است. گزینش غایت برحسب ملاک‌های ملائمت یا منافرت با طبع، لذت و اذیت، خیر و شر و سازگاری امری با امور دیگر مد نظر انسان صورت می‌گیرد. هر یک از ملاک‌های فوق به شرط جزمیت اعتقاد منجر به صدور فعل می‌شوند. غزالی اعتقاد جازم را به سه نوع ادراکی علمی، ظنی و تخیلی تقسیم می‌کند. او شرط جزمیت اعتقاد را در هر سه نوع اعتقاد از ضروریات مقام علمی گزینش غایت معرفی می‌کند. اعتقادات سه‌گانه فوق و جزمیت در هر یک از آن‌ها تبیین‌کننده ظهور افعال و رفتار برخلاف قوانین شرعی است؛ زیرا انواع اعتقادات نشان‌دهنده مراتب متفاوت ادراکی انسان‌هاست.

اعتقاد علمی نشان از فکر، سنجش و قدرت انتخاب غایت توسط قوه مفکره به‌عنوان عالی‌ترین قوه ادراکی، اعتقاد تخیلی نشان از فکر، سنجش و قدرت انتخاب غایت توسط قوه متخیله و

اعتقاد ظنی نشان از فکر، سنجش و قدرت انتخاب غایت توسط قوه متخیله در انسان‌های دارای طبع، جسم و روح بیمار است. انسان‌ها در هر یک از این مراتب ادراکی می‌بایست به جزمیت اعتقاد خویش برسند تا مراحل بعدی صدور فعل انجام شود؛ در غیر این صورت اعتقادات منجر به صدور فعل نمی‌شود؛ بنابراین مرتبه متفاوت ادراکی انسان‌ها مبین تخالف نظر و عمل آن‌هاست. انسان‌ها در مقام انتخاب غایت در صورت تأثیرپذیری از خواطر و وصول خواطر به مرحله جزمیت اعتقاد، مسئول مجازات و پاداش آن‌ها خواهند بود.

مرحله بعدی صدور فعل؛ یعنی شهوت و غضب به عنوان عوامل محرک صدور فعل به شمار می‌روند. این قوا، قوای مشترک انسان‌ها با حیوانات محسوب می‌شوند. در صورتی که انتخاب غایت تنها بر حسب شهوت و غضب صورت گیرد، مرحله پس از برانگیختگی؛ یعنی ایجاد شوق معنون به اراده می‌شود و در صورت پیشی گرفتن فکر و علم، این مرحله معنون به اختیار می‌شود. غزالی اراده و اختیار واحد را برای صدور فعل کافی نمی‌داند. او تداوم حرکت و کوشش جهت انجام فعل را منوط به حدوث ارادات متجدد می‌کند؛ یعنی انسان برای گذر از هر مرحله و ورود به مرحله جدید در فرایند صدور فعل گزیری از تصور جزئی، شوق جزئی و اراده جزئی به همراه اراده کلی در تمامی مراحل فرایند صدور فعل و رسیدن به مقصود نهایی وجود ندارد.

نتیجه

بر اثر اخذ نتیجه مشابهت در *روضه الطالبین* و *معارج القدس* با *مقاصد الفلاسفه* و *معیار العلم* و با *المنتقد* در باب مباحث نفس‌شناسی، و چیستی و چگونگی حصول ادراک نتیجه گرفته می‌شود که *معارج القدس*، جامع‌ترین مباحث مورد اعتقاد غزالی به خصوص در حوزه انسان‌شناسی به شمار می‌روند. *معارج القدس*، دایرة المعارف اکثر مباحث مورد پذیرش غزالی با رویکرد علوم فلسفی، منطقی و عرفانی است. میزان شباهت میان شناخت به دو جزء اصلی نفسانی در *مقاصد الفلاسفه*، *تهافت الفلاسفه* و *معیار العلم* با آثار دوره خلوت‌نشینی و مابعد آن نشان می‌دهد که تطور دوره روحی غزالی منجر به کمال معرفت او نسبت به ابعاد مختلف مبحث نفس‌شناسی شده است؛ مانند اینکه او وجود خواطر و نقش آن‌ها در مقام علمی غایت را با عنوان نیت در فرایند صدور فعل در آثار با رویکرد عرفانی همچون *احیاء و روضة الطالبین* مطرح کرده است. قائل شدن به عدم‌شناسایی ذات انسان از همان آثار دوره نخستین و همچنین در آثار دوره خلوت‌نشینی و مابعد آن نشان می‌دهد که غزالی، مبانی اعتقادات جازم خود را در همان آثار نخستین حیات علمی

خویش بنیان نهاده است و چنین نیست که نگارش *تهافت الفلاسفه*، ابطال‌کننده تمام نظریات فلسفی از دیدگاه او باشد.

غزالی برای نشان دادن عدم تناقض‌گویی نظریات خود در باب چیستی نفس و تعریف امور به بیان هر دو دیدگاه در اوایل و اواسط *معارج‌القدس* پرداخته است. او به رغم تعریف نفس انسانی در اوایل به بیان نظریه خویش مبنی بر عدم امکان وصول به حقیقت اشیاء یا سخت بودن وصول به آن‌ها پرداخته است. با توجه به پختگی تدریجی حیات علمی غزالی و عدم رخداد تناقض در نظریات او لااقل در مبحث نفس‌شناسی و فرایند صدور فعل، انسجام مباحث او، تأثیرات او از فلاسفه بزرگی همچون فارابی و ابن‌سینا می‌توان نتیجه گرفت شاکله فعلی انسان در کل آثار فلسفی، منطقی و عرفانی او دارای انسجام است. در حوزه فرایند صدور فعل در آثار دوران مختلف حیات علمی غزالی، در عین رعایت اصل انسجام، شاهد تکمیل و تفاوت رویکردهای طبیعی، الهی و فلسفی او در فرایند صدور فعل هستیم. غزالی مراحل مختلف سازوکار صدور فعل را به ترتیب مقام علمی شناخت و گزینش غایت، حدوث اراده مبتنی بر قوای باعثة شهبانی و غضبانی، ایجاد میل، رغبت و اشتیاق و آنگاه قوای محرکه قدرتی معرفی می‌کند. تفاوت رویکرد در مقام علمی گزینش غایت در دوران مختلف حیات علمی غزالی از معیارهای انتخاب غایت او مشخص است. این امر نشان‌دهنده رعایت اصل روش‌شناسی در مباحث غزالی است. مصداق تفاوت رویکرد و در عین حال انسجام و تکمیل مباحث در آثار مختلف غزالی، تفاوت وضع برخی اصطلاحات همچون نیت در آثاری همچون *احیاء و روضة‌الطالبین* در عوض غایت در آثار فلسفی و منطقی همچون *مقاصد‌الفلاسفه* و *معیار‌العلم* است. همین تفاوت رویکرد موجب کشف منابع الهام‌بخش دیگری در موضع انتخاب هدف همچون خواطر و الهامات غیراختیاری شده است. شرط فعلیت هر یک از غایت اختیاری در سه مرتبه علمی، ظنی و تخیلی یا خواطر غیراختیاری در راستای انجام فعل، وصول آن‌ها به مقام جزمیت است. غزالی متأثر از فارابی، گزینش هر یک از اهداف و وصول آن‌ها به مقام جزم را مبتنی بر مرتبه معرفتی هر انسانی با توجه به اقسام مراتب روحی در *مشکاة‌الانوار* دانسته است. گزینش غایت و انجام افعال در راستای آن تبیین‌کننده تخالف مقام نظر و عمل انسان‌هاست. غزالی اراده را بر تمامی مراحل صدور فعل اطلاق کرده است؛ زیرا با عدم اراده، هیچ فعلی از انسان صادر نمی‌شود.

منابع

- خندق آبادی، حسین؛ سید حسن اسلامی اردکانی، «بررسی دیدگاه ابو حامد غزالی درباره درونی بودن موانع عملی تحقق فعل اخلاقی»، دو فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی، سال نوزدهم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۷۴، زمستان، ص ۱۲۹-۱۰۵، ۱۳۹۶.
- غزالی، ابو حامد، *احیاء علوم الدین (الجزء الرابع)*، کتابخانه مجلس شورای ملی، بی تا الف.
- غزالی، ابو حامد، *تهافت الفلاسفه*، تحقیق سلیمان دنیا، چ ۱، تهران، نشر شمس تبریزی، ۱۳۸۲.
- غزالی، ابو حامد، *الأجوبة الغزالية فی المسائل الاخریة المضمون الصغیر در مجموعه الرسائل*، چ ۱، بیروت، نشر شمس تبریزی، ۱۴۱۶ق.
- غزالی، ابو حامد، *الرسالة الدنیه در مجموعه الرسائل*، بیروت، نشر شمس تبریزی، ۱۴۱۶ق.
- غزالی، ابو حامد، *کیمیای سعاده در مجموعه الرسائل*، بیروت، نشر شمس تبریزی، ۱۴۱۶ق.
- غزالی، ابو حامد، *روضه الطالبین در مجموعه الرسائل*، بیروت، نشر شمس تبریزی، ۱۴۱۶ق.
- غزالی، ابو حامد، *قانون التأویل در مجموعه الرسائل*، بیروت، نشر شمس تبریزی، ۱۴۱۶ق.
- غزالی، ابو حامد، *معراج السالکین در مجموعه الرسائل*، بیروت، نشر شمس تبریزی، ۱۴۱۶ق.
- غزالی، ابو حامد، *مشکاة الانوار در مجموعه الرسائل*، بیروت، نشر شمس تبریزی، ۱۴۱۶ق.
- غزالی، ابو حامد، *المنتقد در مجموعه الرسائل*، بیروت، نشر شمس تبریزی، ۱۴۱۶ق.
- غزالی، ابو حامد، *محک النظر*، مقدمه و تحقیق و تصحیح دکتر رفیق العجم، بیروت، نشر دارالفکر، ۱۹۹۴م.
- غزالی، ابو حامد، *معیار العلم فی فن المنطق*، چ ۲، مصر، الغرهنيه، سرمایه گذاری شیخ محیی الدین صبری الکردی، ۱۹۲۷م.
- غزالی، ابو حامد، *معارج القدس فی مدارج معرفة النفس* ۹۴۵۸، قاهره، نشر الاستقامه، بی تا ب.
- غزالی، ابو حامد، *مقاصد الفلاسفه فی المنطق و الحکمة الالهیه و الحکمة الطبیعیة*، مصر، نشر سعادت، بی تا ج.
- فارابی، ابونصر، *فصول منتزعة*، فوزی نجار، تحقیق و تصحیح و تعلیق، چ ۲، تهران، مکتبه الزهرا (س)، ۱۴۰۵ق.
- فارابی، ابونصر، *مقاله فی معانی العقل*: کتاب المجموع، مصر، نشر سعادت، ۱۹۰۷.

فارابی، فارابی، ابونصر، رساله فی مسایل متفرقه، حیدرآباد دکن، دائرة المعارف النظامیه الکاآنه، ۱۳۴۴ق.

فارابی، ابونصر، موسیقی الکبیر، تحقیق و شرح غطاس عبدالملک خشبه، مراجعه و تصدیر محمود احمد الحضنی، قاهره، دارالکاتب العربی للطباعه، ۱۹۶۷.



The Process of Issuing the Action from Ghazali's Perspective

Zeynab Barkhordari *
Seyyedeh mahdiheh poorsaleh amiri **

Abstract

Adopting a descriptive-analytical method, the present study deals with issuing action from Ghazali's point of view. Consistent with his different perspectives that he assumes, research in the field of Ghazalian studies enjoys coherence and has the quality of opening different windows of insight into the stages of the process of issuing action. As examples, we can refer to involuntary promise and the lack of inconsistency between Ghazali's topics of discussion with those of the intellectual pillars of psychology. He has established the infrastructure of the intellectual pillars of psychology and the structure of action in his early works. He has explained the apparent conflict of his theory of inaccessibility of the essence of things and the philosophical definition of man in Ma'arej

* Associate Professor in department of Islamic Philosophy and Theology,
Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
barkhordariz@ut.ac.ir

** Phd candidate in the field of Islamic philosophy and theology, Faculty of
Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
poorsaleh.m@ut.ac.ir

al-Quds. The current structure of man, from the deep to the surface structure, is the scientific position of choosing the end, creating enthusiasm through the sensual powers and the power of anger (willful action), or through the power of knowledge (volitional action). Willful enthusiasm belongs to the animal stage and volitional enthusiasm to the stage of man. Its surface structure consists of motor muscles. The necessitas of actualization of choosing the end and non-volitional minds in both mystical and philosophical approaches is reaching the position of dogmatism according to the rank of each human being, which explains the apparent contradiction between opinion and action. Applying will to the structure of action indicates the role of will in performing optional and obligatory actions.

Keywords: *Ghazali, Final Goal, Minds, Enthusiasm, Will, Volition.*